

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۶/۱۰/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

موضوع: ادله جواز تقلید استمراری / جواز تقلید استمراری از مجتهد میت /

اجتهاد و تقلید

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد استصحابی بود که ادعا شده بود بر حجیت قول مجتهد میت برای تقلید استمراری دلالت میکند در جلسه قبل مرحوم اخوند تقریب دیگری از ان را بیان کردند که استصحاب احکام تقلید شده بود که مرحوم اخوند فرمود دلیلی بر ان وجود ندارد و بعد این بحث را به تنبیه دوم از تنبیهات استصحاب مرتبط فرمودند و خواستند با تکلفی استصحاب را جاری کنند که فرمودند ما دلیلی بر حجیت قول مجتهد میت نداریم فلذا اصل حدوثش ثابت نیست ولی استاد فرمود اصل حدوثش مشکلی ندارد چون به لحاظ حال عامی است ولی از این جهت که مرتبط به تنبیه دوم نیست مشکل است زیرا اگر فتوای مجتهد باعث شود که حکم واقعی وجود داشته باشد دیگر شکی در ان نیست تا استصحاب شود. بعد مرحوم اخوند عدم حجیت رای مجتهد میت را قیاس به عارض شدن هرم و جنون کرد به اولیویت نتیجه گرفت که در صورت موت نیز باید حجیت نداشته باشد ولی استاد فرمود قیاس مع الفارق است.

جمع بندی اباحت گذشته با اضافه تقریبی از استصحاب بنا بر مسلک مرحوم

نایینی

بحث در تقلید استمراری بود مرحوم اخوند قائل به عدم جواز چنین تقلیدی است و وجه ان نیز اصل عدم حجیت در زمان بقاء است و این اصل دلیلی بر خلاف ندارد و ادله مخالف را مطرح کرده است و از همه جواب داده است اول دلیل مخالف استصحاب بود که مفصل از ان جواب داد. حاصل ان این شد که در تقلی استمراری مستصحاب یا حجیت است و یا احکام واقعیه ای

است که مجتهد در زمان حیات به انها فتوا داده است و یا احکام ظاهریه است که مجتهد در زمان حیات به انها فتوا داده است.

اما استصحاب حجیت دو اشکال مهم داشت یکی اشکال عامی است که مرحوم خوئی نسبت به اجرای ان در شبهات حکمیه است و دیگری اشکال خاصی مرحوم اخوند است زیرا موضوعش رای مجتهد است و عرفا رای با موت منتفی میشود و در نزد عرف تبدل موضوع رخ میدهد و اتحاد در قضیه متیقنه و مشکوکه نیست. ما عرض کردیم که در تقلید استمراری استصحاب حجیت مانعی ندارد یا از این جهت که حدوث حجیت برای بقا کافی است و یا عرفا موضوع باقی است و تبدلی صورت نگرفته است.

اما اگر مستصحاب احکام واقعیه باشد مرحوم اخوند فرمود استصحاب بقای حکم واقعی مجال ندارد چون یقین به حکم واقعی نداریم چه حجیت به حکم عقل و فطرت بدانیم که پر واضح است و چه دلیل حجیت حکم شرع باشد بالاخره یقین به حکم واقعی نداریم مگر بنا بر تکلفی که در تنبیه ثانی مرتکب شدیم و ان ملازمه بین حدوث و بقاء است ولی این ادعا را مرحوم اخوند رد کرد به این بیان که حجت بر حدوث نداریم ولی ما گفتیم این استصحاب مردود است به خاطر این که شک در بقاء نداریم.

اما اگر حکم ظاهری را بخواهیم استصحاب بکنیم و طبق فتوای مجتهد حکم ظاهری جعل میشود در اینجا ارکان استصحاب تمام است. مرحوم آقای خوئی باز هم اشکال به شبهه حکمیه وارد میکند و مرحوم اخوند فرمود که احتمال میدهم که موضوع حکم ظاهری رای مجتهد باشد و جزء موضوع باشد و مقوم موضوع باشد و به صرف احتمال، موضوع را در ظرف بقاء احراز نشده است و با موت شاید رای نیز مرتفع شده است. مضافا به اینکه این مبنا درست نیست و در حجیت امارت نظر مرحوم اخوند این است که حجیت جعل شده است نه اینکه حکم مماثل جعل شده باشد. ولی ما گفتیم که اولاً رای مجتهد جزء موضوع نیست و حدوث رای موضوع جعل حکم ظاهری است و رای واسطه در جعل حکم مماثل است. و علت جعل است. ثانیاً اگر رای دخیل در موضوع باشد و مقوم موضوع باشد ولی عرفا با موت مجتهد رای مجتهد باقی است. و استصحاب از این جهت مشکلی ندارد

اما بر طبق مبنای نایینی که قائل به تمیم کشف است و شارع امارات را علم به واقع قرار داده است بنا بر این مبنا جریان استصحاب روشن تر است. زیرا شارع

فتوای مجتهد را علم به واقع قرار داده است فلذا در ظرف شک استصحاب حکم واقعی میشود چون علم تبعیدی به ان داریم و هم میتوان جعل علمیت تبعیدی (حجیت) به واقع را استصحاب کرد.

خلاصه: و لو اینکه استصحاب در بعضی از تقاریر اشکال وجود دارد ولی طبق بعضی از تقاریر اشکال ندارد فلذا در تقلید ابتدایی استصحاب جاری نمیشود چون یقین وجود ندارد ولی در تقلید استمراری استصحاب بر طبق بعضی از تقاریر جاری است.

ادله مخالف جواز تقلید استمراری

اطلاقات

ایات و روایات یکی از ادله ی مخالفی هستند که بر حجیت تقلید استمراری بخواهند دلالت کنند قاصر هستند چون یا اصلا بر جواز تقلید دلالت نمیکند و یا اگر دلالت بکنند نیست به حال ممات اطلاق ندارند فلذا اطلاقات ایات و روایات دلیل مخالف به شمار نمیاید.

در تقلید ابتدایی حق با شما است ولی در تقلید استمراری ادعای مرحوم اخوند درست نیست وقتی سوال شد و بعد مرد اشکالی ندارد که به جواب سوال عمل شود همین که سوال محقق شد اطلاق دارد چه مسؤل غنه زنده باشد و چه نباشد جواب او حجت است و این طور نیست که مقید به زنده بودن معیت باشد و ادعای اخوند گفتنی نیست و خلاف فهم عرفی است

سیره عقلا و متشرعه

در تقلید ابتدایی سیره احراز نشد ولی در تقلید استمراری سیره را قبول میکنیم و قطعا این گونه بود است که وقتی فتوایی را اخذ میکردند به ان عمل میکردند و لو اینکه صاحب رای مرده باشد و شاهد ان این است که در روایتی سوال از این مورد نشده است با اینکه مورد ابتلا بوده است و به طور طبیعی در صورت رجوع به مجتهدین بعدی از مدتی فوت میشد و به فتاوی او عمل میکردند. به عبارت دیگر: در تقلید ابتدایی سیره دو مشکل وجود داشت یکی اینکه در مسمع معصومین نبوده است و یکی اینکه حصه خاصی از ان امضا شده است در حالی که در اینجا هر دو مشکل مرتفع است حتی مرحوم خوبی میفرماید [۱] نسبت به تقلید استمراری امضا وجود دارد و داخل در حصه امضا شده است. پس اگر قبول کردیم که اصحاب شیعه به مجتهدین رجوع میکردند اشکال مرحوم اخوند جاری نیست.

ایشان از کسانی بوده است که تقلید ابتدایی را جایز میدانسته است و این حکم طبق مبنایی است که داشته است و آن اعتبار مطلق ظن حجیت دارد چون انسداد وجود دارد. بعد مرحوم اخوند جواب میدهد که در اینجا انسداد وجود ندارد زیرا بعد از اینکه فطرتش حکم به رجوع به مجتهد میکند و مجتهد افتتاحی نیز وجود دارد پس انسدادی وجود ندارد. اما قبلاً گفتیم که بعید است در حق عامی انسداد جاری بشود. علاوه بر این بر فرض که انسداد در حق عامی جاری باشد نتیجه دلیل انسداد فتوای میرزا نیست بلکه نتیجه آن جواز تنزل از امثال قطعی به ظنی است و عامی چون شنیده است که تقلید میت جایز نیست شک در حجیت آن پیدا میکند و امثال ظنی که همه قبول دارند باید انجام شود نه اینکه امثال ظنی که اختلاف در آن وجود دارد چون امثال عقلی مراتب دارد و تا زمانی که امثال ظنی همگانی وجود دارد نوبت به امثال ظنی اختلافی نمیرسد

اجماع

مرحوم شیخ انصاری [۲] در بحث تقلید میت تلاش زیادی کرده بود که اثبات کند تقلید میت صحیح نیست و دلیل آن نیز اجماع است و ایشان اصرار بر اجماع دارند و ما عرض کردیم که در تقلید ابتدایی میت قبول کردیم ولی در تقلید استمراری این مطلب را قبول نداریم و اختلاف وجود دارد

امام سیزدهم

در تقلید استمراری میت این محذور نیز به وجود نمیاید زیرا مقلدین از دنیا میروند همان طوری که مجتهدین نیز از دنیا میروند و مقلدین جدید و مجتهدین جدیدی به وجود میاید و انحصار به وجود نمیاید. نتیجه: بقاء بر تقلید میت جایز است به دلیل اطلاقات و استصحاب.

[۱] التنقیح فی شرح العروة الوثقی ج ۱ ص ۱۰۹.

[۲] مطارح الانظار ص ۲۹۴.



